



عقل عملی تنها جزئیات مربوط به عمل را درک می کند/ کلیات نظری و عملی با عقل نظری درک می شود

حجت الاسلام والمسلمین جمال سروش در نشست نقش عقل عملی در فعل اخلاقی از دیدگاه مرحوم سبزواری گفت: از نظر محقق سبزواری کلیات نظری و عملی با عقل نظری درک می شود و عقل عملی تنها جزئیات مربوط به عمل را درک می کند تا این درک او مقدمه عمل اختیاری و اخلاقی او باشد.

حجت الاسلام والمسلمین جمال سروش در نشست نقش عقل عملی در فعل اخلاقی از دیدگاه مرحوم سبزواری گفت: از نظر محقق سبزواری کلیات نظری و عملی با عقل نظری درک می شود و عقل عملی تنها جزئیات مربوط به عمل را درک می کند تا این درک او مقدمه عمل اختیاری و اخلاقی او باشد.

به گزارش خبرگزاری مهر، چهلمین جلسه گروه علمی فلسفه اخلاق با موضوع نقش عقل عملی در فعل اخلاقی از دیدگاه مرحوم سبزواری با ارائه بحث حجت الاسلام والمسلمین جمال سروش، در مجمع عالی حکمت اسلامی برگزار شد که اکنون گزارشی از آن از نظر شما می گذرد.

یکی از تقسیمات عقل از قدیم تقسیم آن به نظری و عملی است. درباره اینکه این دو عقل واقعا دو حقیقت هستند یا یک حقیقت به دو اعتبار بین فلاسفه اختلاف است.

در این نوشتار ما درصدد هستیم که دیدگاه مرحوم محقق سبزواری را بررسی کنیم. ایشان در منظومه ابتدا عبارت فارابی و سپس عبارت شیخ الرئیس و در ادامه عبارت قطب الدین رازی صاحب محاکمات را نقل می کند. از ظاهر عبارات فارابی و ابن سینا به دست می آید که هر دو عقل مدرک اند و شأن معرفتی دارند اما از ظاهر عبارت رازی به دست می آید که عقل عملی ادراکی ندارد و تنها عمل می کند.

اما دیدگاه محقق در این باره چیست؟ ایشان در شرح منظومه و پاورقی‌های آن نیز در تعلیقات بر شواهد به تبیین دیدگاه خود می پردازد که به نظر می رسد بسیار واضح و مشخص است. از عبارت ایشان در آنجا به دست می آید که عقل نظری و عقل عملی دو وجهه و دو چهره از حقیقت نفس هستند. بنابراین تفاوتشان صرفا امری اعتباری است.

نفس از آن حیث که متأثر از ما فوق است تا به درجه عقل بالفعل برسد عقل نظری یا قوه علامه است و از آن حیث که در مادون خود (یعنی بدن و قوای بدنی) تأثیر می گذارد عقل عملی یا قوه عماله است. نکته ای که تا اینجا سخن محقق قابل توجه است عدم استقلال این دو است که در ظاهر کلمات پیشینیان (فارابی، شیخ و رازی) مشاهده نمی شود اما در عین حال ظاهر سخن محقق از این حیث که عقل عملی حیثیت عاملیت دارد و نه مدرکیت تنها به سخن رازی مشابَهت دارد و برخلاف ظاهر سخنان فارابی و شیخ است.

مؤیدی نیز در شرح منظومه برای مدرک نبودن عقل عملی هست آنجا که می گوید: إثمها في الإنسان كالمدركة و المحركة في الحيوان و الإنسان بما هو حيوان: عقل نظری و عقل عملی در انسان مانند مدرکه و محرکه در حیوان و انسان بما هو حیوان است. از ظاهر این سخن نیز به دست می آید که عقل عملی درک ندارد؛ چرا که عقل نظری و عقل عملی تشبیه شده اند به مدرکه و محرکه در حیوان.

اما محقق مذکور در بیان تشبیه مذکور در شرح شرح منظومه می گوید: با وجود مشابَهتی که بینشان هست دو تفاوت هم دارند؛ اولاً اینکه محرکه حیوانی فاقد ادراک است در حالی که عقل عملی مانند عقل نظری اساساً شأنش ادراک است و ثانیاً مدرکه و محرکه حیوانی جای مشخصی در حیوان دارند در حالی که عقل نظری و عقل عملی به خاطر تجردشان فاقد موضع هستند.

حال به قضایایی که این دو عقل درک می کنند توجه کنید: قضایایی مانند «الله موجود واحد و أنه صفاته عين ذاته» و «الفلک بسیط و کروی» که قضایای علمی صرف هستند و هیچ نحو تعلقی به عمل ندارند و مطلوب در آنها خود آنها هستند با عقل نظری درک می شود. و قضایایی مثل: «التوکل حسن» و «الرضا و التسليم و الصبر محمودة» و «الصلاة واجبة» و «الصيام واجب» و «قيام الليل مستحب» که قضایای عملی و مربوط به چگونگی عمل هستند با عقل عملی درک می شود.

اما در اینجا دیگر معلوم نیست که عقل عملی کلیات این قضایا را درک می کند یا جزئیاتشان را؟ پاسخ این سؤال را می توانیم از تعلیقه ایشان بر شواهد ببینیم: "و أما الكليات و لو في الأعمال فبالعقل النظري و لهذا كان مبنی الحکمتين النظرية و العلمية کلتاهما على العقل النظري لأن إدراك الأمور الكلية سواء كانت أمورا غير متعلقة بالعمل كالعلم بأن الفلك مستدير، أو متعلقة بالعمل كالعلم بأن العدل حسن، وظيفة النظري." نتیجه اینکه از نظر محقق سبزواری کلیات نظری و عملی با عقل نظری درک می شود و عقل عملی تنها جزئیات مربوط به عمل را درک می کند تا این درک او مقدمه عمل اختیاری و اخلاقی او باشد.